

مقدمه :

در مرداد ۱۲۹۷ یعنی مقارن آخر جنگ جهانی اول دولت ریاست وثوق الدوله تشکیل گردید. وزارت فرهنگ به نصیرالدوله (احمد بدر) سپرده شد. پس از برقراری امنیت نخستین اقدام دولت نسبت به فرهنگ تاسیس دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابوالحسن فروغی و دارالمعلمیات وحشت دبیرستان غیر مجانی و چهل دبستان چهار کلاسه جهانی در تهران و ده دبستان در حومه پایتخت بود. در سال ۱۲۹۷ دولت برای اولین بار رسماً به تربیت آموزگار در داخله مملکت اقدام کرد در ولایات نیز به تناسب اهمیت و موقعیت آنها اقداماتی در توسعه مدارس بعمل آمد.

در سال ۱۲۹۸ مدرسه حقوق با عده‌ای استاد ایرانی و فرانسوی و مدرسه دندانسازی نیز ایجاد گردید. و در مدرسه طب که تا آن زمان جزو دارالفنون بود اصلاحاتی به وجود آمد. و مجزا گردید. پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و ظهور مرد با اراده و مقتدری در راس کارها، ثبات در اوضاع حاصل و ممد سال بر بودجه وزارت فرهنگ افزوده شد. و به همان تناسب بر عده مدارس در تهران و ولایات اضافه گردید.

در اسفند ۱۳۰۰ قانون شورای عالی فرهنگ به تصویب رسید و کلیه امور فنی مدارس مانند برنامه‌ها و امتحانات و صلاحیت معلمین در آنجا متمرکز شد و به تصویب رسید و به تناسب سبب قدرت دولت مدارس دولتی از حیث سازمان و برنامه و امتحانات یکسان شد. دولت در امور مدارس ملی مداخله کرد. و برای مدارس خارجی مقرراتی وضع نمود و رفته رفته آنها را

محدود ساخت تا مدارس آمریکایی و انگلیسی در سال ۱۳۱۹ بکلی تعطیل گشت و تنها مدارس فرانسوی در اثر استمهای باقی ماند و به واسطه اشغال مملکت از طرف متفقین در ۳ شهریور ۱۳۲۰ آموزشگاههای مذکور توانستند به کار خود ادامه دهند.

تشویق جوانان: در سال ۱۳۰۴ که قانون نظام وظیفه وضع شد امتیازات خاصی برای شاگردان دبیرستانها و مدارس عالی قائل شدند. و به این ترتیب جوانان را تشویق به تحصیل نمودند.

اعزام دانشجو: در سال ۱۳۰۷ در زمان وزارت اعتماد الدوله (یحیی قراگزلو) گام بسیار مهمی برای پرورش کارشناس و رفع جوائج فنی و علمی برداشته شد و به موجب قانون اعزام محصل به خارج مقرر گردید به مدت ۶ سال هر سال لااقل یکصد دانشجو برای فراگرفتن فنون و علوم طبیعی و ریاضی و تعلیم و تربیت و پزشکی و مهندسی از میان فارغالتحصیلان دبیرستانها با امتحان مسابقه انتخاب و به اروپا روانه شدند. قانون مذکور مقرر داشت که ۳۵ درصد از دانشجویان در رشته معلمی به تحصیل اشتغال ورزند برای آماده کردن عده مذکور در مدارس موجود اصلاحات اساسی به عمل آمده و بر عده دبیرستانها افزوده شد و عده ای معلم فرانسوی برای آنها استخدام شد.

برای تهیه دبیر جهت مدارس مذکور دارالمعلمین مرکزی تبدیل به دارالمعلمین عالی شد و چند نفر استاد فرانسوی برای آنها جلب گردید.

تعلیمات جهانی: کتب درسی ممتاز برای تمام دبستانهای کشور با اسلوب واحد توسط نویسندگان عالیقدر تالیف و توسط وزارت فرهنگ طبع و به قیمت ارزان در تمام کشور معمول گردید. و به عده ای از شاگردان نیز به رایگان داده شد. و به موجب قانون متمم بودجه ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۲ در تمام مملکت دبستانهای دولتی برای کلیه شاگردان مجانی شد.

و در سال ۱۳۱۷ دانشسرای تربیت بدنی برای تهیه علم به وجود آمد.

مدارس مختلط:

در سال ۱۳۱۴ دبستانهای مختلط تشکیل شد و تا ده سالگی پسران و دختران در یکجا مشغول تحصیل گشتند و در دانشسرای عالی پسران، از شهریور ۱۳۱۴ دوشیزگان نیز مجاز به ورود بودند در ۱۷ دی ماه همان سال و دانش سرای تهران رضاشاه با حضور ملکه و شاهدخت ها برابری زن و مرد را اعلام داشت و بر افکندن حجاب را دستور داد.

آموزش سالمندان: در سال ۱۳۱۵ مورد توجه واقع شد و دبستانهای دولتی کلاسهایی برای تعلیم خواندن و نوشتن و حساب و مختصری تاریخ و جغرافیا در تمام کشور در اوائل شب دائر گردید. و کتابهای مخصوص برای این کار تالیف و چاپ شد و به این ترتیب صدها هزار نفر از اکابر توانستند باسواد شوند.

سیر قهرائی: در سال ۱۳۱۷ در سازمان و برنامه دبیرستانها تجدید نظر شد و از دبیرستانهای فرانسه تقلید ناقصی به عمل آمد و چون دولت مقتدر بود به انتقادات اشخاص مطلع توجه نکرد تحصیلات متوسطه شش ساله که تا آن زمان به دو دوره سه ساله و دوره دوم به چند شعبه ادبی- علمی- بازرگانی- کشاورزی- صنعتی تقسیم می شد به سه دوره مبدل گردید. دوره اول سه ساله- دوره دوم دو ساله و کلاس آخر یک سال و در آخر هر دوره امتحانات اسمی مقرر گردید. برنامه بسیار سنگین شد و بر مقدار مواد درسی افزوده شد. بدون رعایت وقت شاگرد و ساعاتی که باید صرف پرورش اخلاقی و بدنی او شود موادی که در برنامه منظور شد در زندگانی مورد حاجت نبود و تحمیل زائدی بر حافظه دانش آموز بود. در همین سال در برنامه دانشسرای عالی، وزیر فرهنگ تجدیدنظر کرد و ذوق و شخصیت محصل که از ۱۳۱۱ مواد تحصیلی و اخذ شهادتنامه های گوناگون داشت لغو گردید و مواد معینی بین سه طی سال تحصیلی تقسیم شد و همه محصلین را مقید به خواند آنها کرد.

تاسیس دانشگاه تهران: در سال ۱۳۱۰ که نگارنده به دعوت دانشگاه کلمبیا در نیویورک مشغول مطالعه بود. به دستور دولت نقشه و طرح تفصیلی سازمان دانشگاه تهران را تهیه کرد. از اینرو دارالمعلمین عالی را در اراضی نگارستان هسته مرکزی دانشگاه قرار داد و آن را به شکل یک موسسه نوین تعلیمات عالی در آورده با سازمان و برنامه جدید و انتظامات تازه مبتنی بر آزادی و شخصیت دانشجو و شش آزمایشگاه و یک کتابخانه و شعبه علوم تربیتی و کارهای فوق برنامه، در خرداد ۱۳۱۳ در زمان وزارت آقای حکمت قانون تاسیس دانشگاه به

تصویب مجلس رسید. در ۱۵ بهمن همان سال بنیاد آن بدست رضا شاه در اراضی جلالیه در شمال غربی تهران گذاشته شد و از ۲۴ اسفند ۱۳۱۶ به بعد به تدریج که بناهای جدید آماده شد دانشکده طب و دندانسازی و داروسازی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی که هر دوی آنها با سازمان مختصری از سابق وجود داشت و دانشکده فنی که در سال ۱۳۱۳ تاسیس گردیده بود به اینجا منتقل گردید. دانشکده ادبیات و علوم هم در سال مذکور به وجود آمد. تربیت معلم: از اقدامات دیگری که در دوره رضاخان بعمل آمد تاسیس دانش سراهای مقدماتی برای تهیه آموزگار و وضع قوانین مخصوص برای تثبیت تمام معلم و تامین آینده او بود. در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم تصویب شد. و به موجب آن مقرر شد ۲۵ دانشسرای مقدماتی در ظرف ۵ سال در تمام کشور دایر شود.

تربیت بدنی:

در همان سال نسبت به ورزش توجه خاص معطوف گردید. و انجمن ملی تربیت بدنی که توسط حسین علاء و ابراهیم حکیمی و نگارنده در آغاز ۱۳۱۲ تاسیس شده بود رسمیت یافت و سازمان پیشاهنگی و اعطا جوایز بدست شاهنشاه جنبش مهمی در کشور پدیدار گردید. در مدت زمامداری رضا شاه علاوه بر کتب درسی ابتدایی و متوسطه عده ای از شاهکارهای زبان فارسی همچون شاهنامه و دیوان حافظ و کلیات سعدی و نظامی و عده ای از نسخ خطی فارسی چون تفهیم ابوریحان بیرونی و تاریخ بیهقی و تاریخ سیستان و حدودالعالم تصحیح و

طبع گردید. عده‌ای هم از کتب خاورشناسان و دانشمندان معذب زمین ترجمه و چاپ شده و عده زیادی کتاب در رشته‌های مختلف ادبی و علمی و فنی و فلسفی و تاریخی و تربیتی از طرف نویسندگان مملکت تالیف و منتشر گردید. و در تمام این دوره نه فقط هر سال بر عده مدارس افزوده می شد و بودجه فرهنگ رو افزایش رفت بلکه بتدریج بناهای مرغوب برای دانشسرا و دبیرستان و دبستان در مرکز شهرهای مهم ساخته شد.

تعلیمات عمومی:

در سال ۱۳۲۰ در بحبوحه جنگ در شهرستانها شورای فرهنگ تاسیس شد تا مردم در کار فرهنگ شرکت جویند- قانون تعلیمات اجباری در سال ۱۳۲۲ وضع شد. ظرف ده سال تعلیمات ابتدایی در مملکت اجباری شد.

سپاه دانش: مهمترین اقدام نسبت به توسعه تعلیمات ابتدایی در دهات تشکیل سپاه دانش بود. از سال ۱۳۴۲ هر سال در دو نوبت سپاه دانش به روستا اعزام شدند و علاوه بر تعلیم کودکان و سالمندان در نقاط دوردست اصول اولیه بهداشت را در مورد مسکن و چشم و قناعت و ... عملاً آموختند و با کمک خود مردم اجرا کردند. و با کمک سپاه بهداشت و ترویج آبادانی و روستائیان مدرسه و درمانگاه ساختند.

تالیفات کتاب در زمان رضا شاه و محتویات آن

در دوران رضا شاه، اهل دانش و ادب بیشتر به تحقیقات تاریخی و تتبعات ادبی روی آوردند. ارباب قلم این دوره اسلوب مطالعه و تحقیق علمی و مقایسه اسناد و ماخذ را از دانشمندان غرب آموختند و به حکم اهل البیت آدری بما فی البیت نتایج بسیار سودمندی در کوششهای خود به دست آوردند.

در آن روزگار کتابهای تاریخی درباره ایران منحصر بود به کتابهایی که نویسندگان اروپایی مانند سرجان ملکم و پرسایکس نوشته بودند و آموزگاران و روشنفکران از کمبود کتابهای تاریخی به خصوص کتابهای تاریخی درسی شکایت داشتند. در سالهای ۱۳۰۶-۱۳۰۷ ش دو جلد کتاب نفیس ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم تالیف میرزا حسن خان مشیرالدوله پیرنیا که با نهایت دقت و احتیاط و رعایت طرز کار اروپایی و استفاده از جمیع منابع و ماخذ موجود ترتیب یافته و برای کسانی که بعدها بخواهند این مرحله را بپیمایند راه را هموار کرده بود از چاپ در آمد. پس از آن وزارت معارف ایران در عهد تصدی اعتمادالدوله قراگزلو برای رفع احتیاج مدارس دست به کار تالیف یک سلسله کتب درسی زد و مقرر شد که سلسله تاریخ ایران از ابتدا تا نهضت مشروطیت به ترتیب زیر فراهم گردد. (۱) از ابتدا تا صدر اسلام به قلم حسن تقی زاده (۲) از صدر اسلام تا استیلای مغول به قلم حسن تقی زاده (۳) از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت به قلم عباس اقبال- پیرنیا به ذوق شخصی اوقات خود را صرف این منظور کرد و علاوه بر دو جلد تاریخ ایران باستانی و داستانهای ایران قدیم که نام

برسیم و یک جلد درسی که خلاصه دو جلد مذکور بود، دو مجلد بزرگ شامل تاریخ ایران از ابتدا تا اوایل دوره اشکانی فراهم و به چاپ رسانید.

قسمتی که بنا بود به قلم تقی زاده نوشته شود متأسفانه به علت ماموریت‌های دولتی و گرفتاری‌های او به آخر نرسید و فقط جزوه وی در ۷۸ صفحه به نام از پرویز تا چنگیز در ۱۳۰۱ منتشر گردید.

دانشمندان و تاریخ نویسان فرهنگی زمان رضا شاه

علاوه بر کوشش‌های پرثمری که در آن عهد در زمینه تاریخ نویسی به عمل آمد به همت استادان و محققانی مانند قزوینی - تقی زاده - اقبال - فروزانفر - بهار - بهمنیار و دیگران بسیاری از زوایای تاریک تاریخ ادبی ایران روشن شد.

دانشمندان دیگری چون پورداوود - کسروی - بهار - یاسمی به تحقیق در ادبیات و زبان‌های ایران پیش از اسلام و مطالعه در لهجه‌ها و نیم زبان‌های فارسی پرداختند. و بعدها تحصیل و تدریس زبان‌های پهلوی و اوستایی در ایران آغاز شد و کسانی به ترجمه متون پهلوی به فارسی دری و مطالعه و جمع‌آوری فولکلور ایران سرگرم شدند. و بدین قرار تاریخ نویسی و ادب شناسی و به طور کلی تحقیق و مطالعه در آنچه که به گذشته ایران مربوط می شد در عهد رضا شاه پیشرفت زیادی کرد.

شرح حال و آثار تعدادی که در پیشرفت عهد رضا شاه سعی زیادی داشته اند:

۱- پیرنیا (حسن)

حسن پیرنیا ملقب به مشیرالدوله در اوایل سال ۱۲۹۱ ق (۱۲۵۲ شمسی) در تهران پا به دنیا نهاد پدرش میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نائینی از اعظام رجال عهد قاجاریه بود. وی تحصیلات مقدماتی فارسی و عربی را از معلمین سرخانه فرا گرفت و حدود ۱۷ سالگی عازم روسیه شده و تحصیلات حقوق را در دانشگاه مسکو به پایان برد. وی در ۱۳۱۷ که مظفرالدین شاه به اروپا رفت به عنوان مترجم در رکاب او بود و در مراجعت شاه از این سفر در ۲۷ جماد الثانی ۱۳۲۰ ق به سفارت ایران در قزبورگ تعیین گردید در بازگشت سفر سوم مظفرالدین شاه او را به تهران فراخواند و ورود میرزا حسن خان مشیرالدوله به تهران مصادف بود با سالهای پرتشنج انقلاب مشروطیت ایران.

در این هنگام به پدر که صدراعظم ایران شده بود کمک می کرد. وی در تدوین قانون اساسی سهم مهمی داشت. در کابینه مشیرالسلطنه به وزارت عدلیه رسید چون پس از ۲ ماه کابینه مشیرالسلطنه برافتاد و ناصرالملک زمام امور را در دست گرفت در آن کابینه به لقب پدرش مشیرالدوله به وزارت خارجه رسید.

مشیرالدوله در ۱۳۱۹ ق هنگامی که کمتر از ۳۰ سال داشت کتابی در حقوق بین‌المللی برای محصلین مدرسه علوم سیاسی تالیف و چاپ کرد و از آن پس به واسطه اشتغال به سیاست و امور مملکتداری اثری از خود به وجود نیاورد. اما بعد از سال ۱۳۰۴ ش زمانی که دستش از کارهای دولتی کوتاه شد به تالیف کتابی به نام «ایران باستان» پرداخت. بعد از چاپ این کتاب

کتاب داستانهای ایران قدیم را که حاوی داستانهای قدیمی تاریخی و حماسی بود به چاپ رسانید. در ۱۳۱۲ مشیرالدوله به بیماری او رمی و سپس سکنه ناقص دچار شد که قسمتی از بدن و چشم راستش از کار بازماند و بعد از ۲ سال بدرود حیات گفت.

۲- اقبال آشتیانی (عباس) یکی دیگر از محققان به نام ایرانی در دوره رضاشاه عباس اقبال آشتیانی بود و اوست که شیوه تحقیق علمی را در ایران رواج داد. وی در سال ۱۳۱۴ ق (۱۲۷۶ش) در یک خانواده پیشه ور و تهیدست و گمنام از مردم آشتیان به دنیا آمد. خیلی زود وارد عرصه زندگی شد با وجود سختی معیشت در ضمن کار به مکتب رفت و مقدمات علوم را در زادگاه خود فرا گرفت و بعد به تهران آمد و به دارالفنون راه یافت. کار نویسندگی اقبال با جمله دانشکده آغاز شد که مدیریت آن را بهار به عهده داشت. اقبال در ۱۳۰۴ به سمت منشیگری هیئت نظامی ایران به پاریس رفت و از دانشگاه سوربن لیسانس زبان و ادبیات گرفت. در ۱۳۰۸ به ایران بازگشت وزارت فرهنگ از او دعوت کرد که در تالیف کتب درسی تاریخ و جغرافیای اقتصادی ایران شرکت کند در ۱۳۱۲ جلد اول کتاب «تاریخ مفصل ایران» از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، در ۱۳۱۸ کتاب «تاریخ ایران از صدر اسلام تا استیلای مغول» به چاپ رسید در رشته های زبانشناسی و سبک شناسی در تاریخ ادیان و جغرافیا مطالعات زیادی داشته و در ۵۸ سالگی در شهر رم زندگی را بدرود گفت.

۳- کسروی (سید احمد): سید احمد کسروی تبریزی در ۱۲۶۹ش در تبریز در یک خانواده روحانی به دنیا آمد مقدمات فارسی و عربی را در مکتب آموخت. ۱۲ ساله بود که پدر

در گذشت و درس و مکتب را کنار گذاشت و به قالی باقی پرداخت و بعد دوباره از کار دست کشید و به مکتب رفت و با شیخ محمد خیابانی آشنا شد. در ۱۲۸۵ به مشروطه خواهان پیوست در التیماتوم روس به ایران شبها از بالای منبر به شورانیدن مردم می پرداخت. در ۱۲۹۳ جنگ جهانگیر اروپا آغاز شد و سید احمد برای اینکه زبان انگلیسی یاد بگیرد به آموزگاری زبان عربی وارد مدرسه آمریکا شد.

در ۱۲۹۹ به عضویت استیناف تبریز منصوب و روانه آذربایجان شد. در ۱۳۰۰ به تهران حرکت کرد و چندی مامور دماوند شد. پس از آنکه سردار سپه به نخست وزیری رسید به ریاست عولیه خوزستان مامور شد. در ۱۳۰۵ که پادشاهی خاندان قاجار پایان پذیرفت و رضا شاه روی کار آمد ریاست یکی از محکمه های جدید التاسیس انتظامی را داشت. که داور وزیر عدلیه را منحل کرد. باز کسروی بیکار ماند و فرصت مطالعه یافت و در تاریخ و زبانشناسی مقالات و رسالات بسیار نفیسی به وجود آورد. ۲ جلد کتاب آیین را منتشر کرد و شهرت فوق العاده پیدا کرد. کسروی با شعر و شاعری مخالفت داشت و آن را کاری لغو و بیهوده می دانست و معتقد است بیشتر آنها یادگار دوره زبونی ایرانیان است و روزگاری که رادمردی و مردانگی کمیاب شده است.

۴- فروزانفر (بدیع الزمان) در تیرماه ۱۳۲۲ ق در روستای کویری بشرویه از توابع طبس خراسان در خانه ادهای از اهل علم به دنیا آمد. مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخت در ۱۳۳۸ به مشهد آمد و ادب منطق را نزد ادیب نیشابوری آموخت.

در ۱۳۴۲ ق به تهران آمد و شرح اشارات و شفا و کلیات قانون را نزد میرزا طاهر تکابنی خواند. فروزانفر در آغاز ورود به تهران با ادیب پیشاوری و شمس العلمای گرگانی، میرزا رضاخان نائینی و شاهزاده افسر و علامه محمد قزوینی مانوس و محشور بود. در ۱۳۰۵ به جای شمس العلمای گرگانی در مدرسه دارالفنون به تدریس فقه و اصول مشغول شد از ابتدای تاسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و استاد تصرف اسلامی در دانشکده معقول و منقول و از ۱۳۲۳ رئیس دانشکده شد. او سفرهای متعدد به خارج از کشور از جمله بیروت جهت تاسیس که سی زبان فارسی داشت. ۶۸ سال عمر کرد در اردیبهشت ۱۳۴۹ در تهران در گذشت. از آثار او می توان به منتجنات ادبیات فارسی - تاریخ ادبیات ایران به فیه مافیه اشاره کرد.

۵- بهمنیار (احمد): احمد بهمنیار در سال ۱۳۰۱ ق در شهر کرمان به دنیا آمد. پدرش محمدعلی مدرس مردی فاضل و به علوم ریاضی قدیم و فنون ادبی دانا بود. وی تحصیلات خود را در محضر پدر آغاز کرد. در آن زمان که سرگرم تدریس در حوزه های علمی کرمان بود نهضت مشروطه خواهی در کشور کمال گرفت و او به حزب دموکرات کرمان پیوست. در کشاکش جنگ جهانی اول به گناه آزادی خواهی به شیراز تبعید و ۱۴ ماه زندانی شد. پس از آزادی به تهران آمد و وارد خدمت در وزارت دارایی شد و به سمت بازرسی از اداره تمدید تریاک مامور خراسان شد. و ۷ سال در خراسان با شاعران و سخنوران زمان معاشرت داشت در ۱۳۰۱ روزنامه فک آزاد را دو سال در شهر انتشار داد. در ۱۳۰۶ به تهران آمد و به

دعوت وزارت عدلیه منصب قضاوت اختیار کرد. پس از تاسیس دانشگاه تهران استادی زبان و ادبیات عربی را در دانشکده ادبیات داشت و تا پایان عمر بیست سال یکسره به تحقیق و تالیف گذرانید.

در ۱۲ آبانماه ۱۳۳۴ در گذشت. از آثار او می توان به تحفه احمدیه - چاپ رساله حورائیه - مقدمه و تصحیح اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ادبی سعید اشاره کرد.

۶- دهخدا (علی اکبر): علی اکبر دهخدا در حدود سال ۱۲۹۷ ق در تهران به دنیا آمد. تحصیلات قدیمی را نزد شیخ غلامحسین بروجردی کسب کرد و چون مدرسه علوم سیاسی تهران دایر شد به آن مدرسه رفت و مبانی علوم جدید را فرا گرفت در ۱۳۲۱ در اروپا در شهر وین مقیم بود. هنگامی که به ایران بازگشت نهضت مشروطه خواهی در کشور رواج گرفته بود و او به جمع آزادیخواهان پیوست. در ۱۳۲۵ میرزا جهانگیر خان شیرازی، با همکاری میرزا قاسم خان تبریزی روزنامه صوراسرافیل را در تهران بنیاد نهاد. شهرت فوق العاده این روزنامه به دلیل مقالات طنز آمیز نیش داری بود که دهخدا به عنوان «چرند و پرند» به امضای «دخو» در آن منتشر می کرد.

پس از بسته شدن مجلس به دست محمدعلی شاه دهخدا هم ناچار به استانبول رفت و صوراسرافیل را در آنجا منتشر کرد. پس از فتح تهران از تهران و کرمان به نمایندگی مجلس انتخاب شد. مهمترین تالیف دهخدا لغت نامه اوست که حدود ۴۵ سال در تدوین آن زحمت کشید در ضمن امثال و حکم را نیز در لغت نامه گنجانده بود. و دهخدا به شاعری علاقه

داشت اما وظیفه اصلی او نبود و خود نیز چنین ادعایی نداشت از آثار دیگر او می توان شرح و حال ابوریحان بیرونی - حواشی و ملاحظات بر دیوان ناصر خسرو مجموعه اشعار را نام برد.

۷- مینوی (مجتبی) در سال ۱۲۸۳ ش به دنیا آمد پدرش شیخ عیسی شریعتمداری مردی معمم و مودب بود دوران بچه گی اش در سامره گذشت و موقعی که به ایران بازگشت او را به مدرسه «امانت» و سپس مدرسه «اسلام» بردند و در دارالفنون با حضرت الله باستان، صادق هدایت شمن الدین وفا هم دوره بود.

در ۱۲۹۹ که کودتا اتفاق افتاد وارد دارالمعلمین شد. مدتی ریاست کتابخانه ملی را به عهده داشت. سپس به پاریس جهت آموزش زبان انگلیسی رفت و مدتی سرپرست محصلین ایرانی در آنجا بود و بعد مدتی برای تدریس در شرکت نفت آبادان و دوباره به تهران بازگشت و با صادق هدایت و بزرگ علوی، مسعود فرزاد دوست شد. دست از سیاست کشید و به نوشتن ویس و رامین پرداخت. ترجمه کتاب شاهنشاهی ساسانیان بهانه ای برای تبعید به خارج و قطع حقوق او شد. در لندن هم عقیل و هم تدریس می کرد مدتی در استانبول رئیس دبستان ایرانیان بود که باعث آشنایی با کتابخانه های ترکیه شد.

در سال ۱۳۳۲ ش دستوری از دانشگاه رسید که دانشکده ها از بزرگان علم دعوت کنند که فروزانفر پیشنهاد مجتبی مینوی را داد و در سال ۳۴ با رتبه استادی در دانشکده معقول و منقول

مطرح شد. مینوی اهل سیاست نبود و هیچ گاه عضو حزب یا دسته بندی سیاسی نشد. چاپ و انتشار رستم و سهراب در ۱۳۵۳ صورت پذیرفت.

رمان نویسان و هنر آفرینان در عهد رضا شاه

۱- رکن زاده آدمیت (محمدحسین)

دلیران تنگستانی شرح یک رشته وقایع تاریخ است که هنگام جنگ بین المللی اول در جنوب ایران در ناحیه تنگستان و اطراف به شهر رخ داده که رکن زاده آن را به صورت مخیه تا رنج و نحه داستان نوشته است آدمیت یک سال و نیم بعد در خرداد ۱۳۱۲ کتاب فارسی و جنگ بین الملل را انتشار داد که مولف خود آن را جلد دوم دلیرانی تنگستان نامید.

۲- سالور (حسینقلی میرزا عمادالسلطنه) از داستانهایی که به شرح احوال و آثار حکیم فردوسی آفریننده حماسه ملی ایران حصر شده دو جلد رمان به اصطلاح تاریخی «جفت پاک» است که آن را حسینقلی در فروردین ۱۳۱۱ به چاپ رسانید.

۳- رحیم زاده صفوی، کتاب شهربانو که در سال ۱۳۱۰ انتشار یافت به شرح حوادث دوران آخرین پادشاهان ساسانی و حمله اعراب به ایران وقف شده و حوادث شوم ۴۷ ساله را که از اوایل کار آزر میدخت تا وقایع خونین کربلا کشیده می شود در بر دارد.

۴- نعمایی (حبیب) داستان کوچک تاریخی دخمه ارغون در سال ۱۳۱۲ ش چاپ شده و نویسنده آن جیب یغمایی بنیانگذار مجله ادبی یغماست.

۵- محمد حجازی در فروردین ۱۲۸۰ ش در تهران متولد شد. در سال ۱۳۰۰ قدم به عالم نویسندگی گذاشت و در پاریس کتاب هما را قلم زد.

در سال ۱۳۰۸ رمان پریچهر را انتشار داد. وی از آن رمان قطور و مفصل زیبا را پدید آورد. از آثار بعد از شهریور ۱۳۲۰ نمایشنامه محمودآقا را و کیل کنید- ساغر و آهنگ- پروانه و سرشک.

۶- نفیسی (سعید) متولد ۱۲۷۴ در تهران. تحصیلات متوسطه را در مدرسه علمیه در تهران به پایان رسانید از ۲۵ سالگی برادرش برای ادامه تحصیل او را به اروپا برد. در ۱۲۹۷ به ایران بازگشت. در این سال به گروه نویسندگان «دانشکده» پیوست و با ملک الشعراى بهار همکاری کرد. در ۱۳۰۰ ریاست اداره فلاح و مدیریت مجله فلاح را تا ۱۳۰۴ به عهده داشت. در ۱۳۱۲ به دعوت شوری در کنگره بزرگداشت فردوسی شرکت و طی نطقی اهمیت ادبیات ایران را در جهان ایراد کرد. در ۱۳۳۹ در کنگره بین‌المللی هنر باستانشناسی ایران سفر چند ماهه‌ای به امریکا و کشورهای عربی داشت آرزو داشت در اواخر عمر در پاریس زندگی کند ولی در سفری که به ایران داشت در جهت شرکت در نخستین کنگره جهانی ایران شناسان به تهران آمده بود و به بیماری آسم دچار شد و در ۲۲ آبان ۴۵ در تهران درگذشت

از آثار نفیسی می توان به ماه نخست- فرنگیس- نیمه راه بهشت اشاره کرد.

۷- صادق هدایت: متولد ۱۲۸۱ در ۱۳۰۹ زمینه ای در ادبیات ایران ظهور کرد که نه تنها در کشور خود بلکه در بیرون مرزهای کشور نیز شهرت و معروفیت یافت این نویسنده توانا

صادق هدایت بود هدایت در ۱۳۰۳ قله به دست گرفت و کتاب کوچک ولی جالب انسان و حیوان که پیش از سفر اروپا در تهران نوشته است. نخستین اثر ادبی هدایت قطعه ناتمام مرگ است که در ۱۳۰۵ در گان بلژیک نوشت. در ۱۳۰۶ رساله «تمیز و تقریباً بی ایراد» فواید گیاهخواری را به قلم زد. در ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ داستانهای زیبای مادلن - زنده بگور - اسیر فرانسوی و حاجی مراد در پاریس به رشته تحریر کشید. و پس از بازگشت به تهران داستان آتش پرست داستانهای داوود گوژپشت - آجی خانم و رده خوارها را در تهران نوشت. از مجموعه مختص به نام سه قطره خون و سایه روشن و داستان علویه خانم و سفر نامه اصفهان نصف جهان را نوشت. هدایت به جز داستانهای زیبایی که از خود به یادگار گذاشته کارهای علمی و تحقیقی - متن شناسی - زبان شناسی - مطالعه در فرهنگ عامه - پژوهش در متون ادبی و ترجمه زبانهای اروپایی به فارسی نیز کار کرده و آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشته است.

ویژگی چشمگیر تاریخ ایران از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۰

یکی از چشمگیرترین ویژگیهای تاریخ ایران از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۴۰ نقش متقابل پیچیده‌ای بود بین نیروهای مختلف ایران که تلاش می کردند حکومت مشروطه و دخالت دولت های

روسی و انگلیس را در ایران برقرار سازند. شاید بتوان هدف اصلی رضاشاه را در مورد ایجاد یک ارتش واقعی که بتواند موازنه داخلی را حفظ کند و مانع مهمی فرا راه دخالت مسلحانه بیگانگان باشد قبول کرد، می توان از اصلاحات وی سخن راند. نیاز اول رژیم رضاشاه پول بود. به خاطر احتیاج روز افزون به پول و برای نوسازی ارتش منابع جدید در آمد ضروری بود. صنعتی کردن کشور، افزایش تولیدات داخلی نیاز به تعداد بی شماری از افراد تحصیل کرده و تعلیم یافته داشت تا بتواند ضروریات یک ارتش نوساخته و توسعه صنعتی و رواج خدمات جدید و وابسته از قبیل بانکداری را برطرف سازد. که همین کار ضرورت توسعه و بهبود تسهیلات آموزشی و تربیت ایرانیان را در خارج از کشور پیش کشید و در این تلاش ملی همیاری و شرکت زنان نیز ضروری بود. به همین جهت مدارس، ادارات جدید دولتی، بیمارستانها و یا هتلهایی ساخته شد. قشر عمده ای که مشکلاتی سر راه اجرای سیاست رضاشاه به وجود می آورد.

نقش روحانیت و جایگاه تشیع در زمان رضاشاه

قشر روحانیت بود از دیدگاه تشیع رضاشاه مثل پیشینیان قاجار یک غاصب به شمار می رفت و رهبران برجسته مذهب تشیع در شهرهای مقدس نجف و کربلا اقامت داشتند. تهدید فراخوانی طلبه علوم دینی برای خدمت سربازی و در آوردن تعلیم و تربیت عمومی از نظارت روحانیون و از بین بردن حجاب زنان و رواج سرگرمی های غربی نظیر سینما همه و همه از دیدگاه تشیع

اسلامی اخلاق عمومی را به طرف نابودی می کشید. شاه در روابطش با غربیان خصوصاً به خاطر مقالات انتقادی که در مطبوعات خارجی منتشر می شد هرچه بیشتر حساس تر و شکاک تر شد. چنین می نماید که وی چیزی از آزادی مطبوعات سرش نمی شد. در سال ۱۳۰۸ برای برطرف کردن کمبود نیروی انسانی کارآمد مبلغ زیادی در راه تربیت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور در مدت یک دوره شش ساله اختصاص یافت در سال ۱۳۱۷ حدود ۴۰۰ دانشجوی دولتی به ایران بازگشتند.

تشکیل دانشگاه ایران و چگونگی پذیرش دانشجو

طبق گزارش هان بعدی قریب به ۱۵۰۰ نفر دانشجو به فرجه دولت و خودشان در خارج از کشور فارغ التحصیل شدند عدم همکاری موثر محصلین فارغ التحصیل خارج با عدم کارآیی تجارب عملی آنها و بی میلی دیوانسالاری متجاوز برای ایجاد مشاغلی برای آنها که آنان را به چشم نیروی پشتیبانی می دید بدتر شد. و روحیه محصلین فارغ التحصیل خارجی با مقتضیاتی که آنها مواجهش می شدند تقویت نشد شاه در سال ۱۳۱۴ اولین سنگ بنا دانشگاه را پی نماد لباس های متحدالشکل مدارس رواج یافت. زنان مقطع مدارس دختران بالاجبار

بدون حجاب راهی مدارس شدند و به افسران ارتش تکلیف شد که حق ندارند در معیت زنان حجاب دار دیده شوند.

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و وقایع بعد از آن

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش در اثر اراده و قدرت رضاشاه در کارهای ثبات ایجاد شد و تمام امور به تدریج به مجرای طبیعی افتاد و هر سال به بودجه و اعتبارات آبادی و عمران و اصلاحات افزوده شد و فرهنگ هم سهمی از آن برد و در نتیجه عده مدارس و موسسات معارفی رو به فزونی گذاشت. در اسفند ۱۳۰۰ به موجب قانون خاصی شورای عالی فرهنگ بوجود آمد. و امور فنی آموزشگاهها از قبیل اساسنامه ها و بدنامه ها - آئین نامه های امتحانات از آن پس به تصویب آن شورا رسید و به این ترتیب چنانکه در ممالک متمرکز معمول است اتحاد شکل بوجود آمد به تدریج که دولت مقتدر شد مداخله اش در مدارس غیر دولتی زیاد گشت در مدارس خصوصی (که عموماً ملی نامیده می شود) سازمان و برنامه و امتحانات مانند مدارس دولتی گردید و تنوع و قوع ابتکار از بین رفت به موجب مقرراتی که در سال ۱۳۰۶ وزارت فرهنگ برای مدارس خارجی وضع گردید حدود و قبولی برای آنها تعیین شد. در سال ۱۳۱۹ مدارس آمریکایی و انگلیسی برچیده شد و مدارسی فرانسوی بواسطه استمهالی که کرده بودند و پیش آمد واقع سوم شهریور ۱۳۲۰ باقی ماند و یکی از مهمترین اقداماتی که برای پرورش و رفع حوایج فنی و علمی این دوره انجام گرفته فرستادن دانشجو به اروپا و

امریکا بود. در سال ۱۳۰۷ به موجب قانون اعزام محصل به خارج مقرر شد که وزارت فرهنگ تا ۶ سال هر سال لااقل ۱۰۰ نفر برای فراگرفتن علوم طبیعی و ریاضی و فنون مختلف و تربیت و تعلیم و طب و مهندسی به وسیله امتحان و مسابقه از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها انتخاب و به خارج روانه کند.

۲- وزارت جنگ و وزارت خانه های دیگر نیز برای تربیت صاحب منصب و متخصص عده ای به اروپا گسیل داشتن.

۳- دبیرستانها و فارغ التحصیل های متوسط کم بود از این رو چند دبیرستان تازه تاسیس شد و مدارس موجود اصلاح گردید.

۴- عده ای دبیر از فرانسه استخدام شد. دارالمعلمین مرکزی برای تهیه دبیر تبدیل به دارالمعلمین عالی گردید.

۵- از اول فروردین ۱۳۱۲ برحسب قانون متمم بودجه همان سال در تمام مملکت دبستانهای دولتی که تا آن زمان ماهیانه جزئی می گرفتند مجانی شد برای مدارس ابتدائی کتابهای درسی ممتاز به دستور وزارت فرهنگ توسط استادان عالی قدر تهیه و بصورت جالبی به طبع رسید و به بهای ارزان در تمام کشور معمول گشت و به عده ای از شاگردان هم مجاناً داده شد.

۶- برای پرورش آموزگار در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم وضع شد و به موجب آن مقدر گردید ۲۵ باب دانشسرای مقدماتی ظرف ۵ سال در تمام مملکت تاسیس شود در آن قانون

طرز استخدام آموزگار و دبیر و درجات خدمت و ترتیب ارتقاء و بازنشستگی پیش بینی شد و برای نخستین بار آموزگار خدمتگذار مملکت محسوب و مقام او تثبیت شد .

۷- اصطلاحات دبستان و دبیرستان و هنرستان و دانشکده و دانشگاه و دانشسرا و آموزگار و دبیر و هنرآموز و استاد تعریف شده و رسمیت یافته است.

۸- در سال ۱۳۱۷ در سازمان و برنامه دبیرستانها تغییرات نامطلوبی داده شد که باعث سنگینی دستور تحصیلات و رعایت نکردن ذوق شاگردان و مواردی منظور گردید که در زندگانی مورد حاجت نیست.

۹- دوره تحصیلات متوسط به دو دوره سه ساله تقسیم شده و دوره دوم دارای چند شعبه بود و شاگرد در انتخاب همسر یک از آنها آزادی داشت از آن پس به سه دوره مبدل گردید دوره اول سه سال دوره دوم ۲ سال که دنباله دوره اول و برای تمام دانش آموزان اجباری بود. دوره آخر یک سال که سه شعبه ادبی و ریاضی و طبیعی تقسیم می شد در برنامه دانشسرای عالی اختیاری را که دانشجویان از سال ۱۳۱۳ در انتخاب شهادت نامه های گوناگون داشت.

۱۰- وزیر فرهنگ از آنان سلب گردید فرهنگیان صاحب نظر در هر دو مورد تذکرات لازم را دادند ولی چون دولت مقتدر بود تذکرات موثر نیفتاد.

۱۱- دو تغییر نامطلوب فوق در همان سال ۱۳۱۷ بتالیف و طبع یک دوره کامل کتب درسی برای دبیرستانها مبادرت شد و قریب هشتاد جلد کتاب در رشته های مختلف علوم طبیعی و

ریاضی و ادبی و زبان خارجه توسط استادان و نویسندگان عالی قدر مملکت شهید و به وجه زیبای به چاپ رسید و به بهای ارزان در دسترس دانش آموزان و مردم گذاشته شد.

فعالیت‌های آموزش و پرورش زمان رضا شاه از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۱۷

در آغاز ۱۳۱۲ انجمن ملی تربیت بدنی توسط ابراهیم حکیمی و حسین علاء (که در آن موقع ریاست بانک ملی را برعهده داشت) و نگارنده تاسیس شد. و در آخر سال مذکور وزارت فرهنگ آن را رسمیت داد. انجمن از آمریکا متخصص استخدام کرد. جنبش مهم نسبت به تربیت بدنی و ورزش در مملکت به وجود آمد در سال ۱۳۱۰ به دستور اعلیحضرت رضاشاه کبیر طرح دانشگاه تهران را تهیه شد. نگارستان انتقال داده شد و به صورت موسسه نوین تعلیمات عالی در آمد بافیه آزمایشگاه و کتابخانه و برنامه جدید و شعبه علوم تربیتی و کارهای فوق برنامه در خرداد ۱۳۱۳ قانون تاسیس دانشگاه به تصویب مجلس رسید. بنیاد آن همان سال در ۱۵ بهمن به دست رضاشاه در اراضی جلالیه که یک کیلومتر با شهر فاصله داشت نهاد شد. در قانون مذکور مقررات لازم برای استخدام دانشیار و درجات و شرایط ارتقا بمقام استادی و تربیت حقوق بازنشستگی پیش بینی شد و آتیه او تامین گردید.

از ۱۳۱۳ ساختمان دانشکده پزشکی آغاز گردید و از سال ۱۳۱۷ به بنای عمارت دانشکده حقوق و فنی ممت گماشته شد. مدرسه طب و حقوق که از سابق وجود داشت و دانشکده فنی که از همان سال (۱۳۱۳) تاسیس شده بود به ساختمان های جدید منتقل گردید. دانشکده

ادبیات و علوم در ۱۳۱۳ در نگارستان چون ضمیمه دارالمعلمین عالی بوجود آمد. دانشکده معقول و منقول در مدرسه سپهسالار ایجاد شد.

فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری زمان رضاشاه

در ۱۳۱۹ به سازمان دانشکده پزشکی و دندانسازی و داروسازی توسعه داده شد و چند بیمارستان برای آزمایش و عملیات دانشجویان ضمیمه آن گردید و در همان سال نیز هنرکده در خارج از دانشگاه تاسیس و سال بعد به آنجا منتقل شد و بعداص مرسوم به دانشکده هنرهای زیبا شد. برای حفظ و ترقی زبان فارسی در ۱۳۱۴ انجمنی از شعبه فضلالی مملکت بنام فرهنگستان بنام فرهنگستان ایران تاسیس شد که در تسبیل اصطلاحات علمی و جلوگیری از تصمیمان واطی و تهیه مقدمات کتاب لغت و دستور مفصل زبان ویراستن زبان خدماتی انجام داد.

کاوش گری برای هویت ملی و آثار باستانی نسخه های خطی

پس از الغاء سی پیتولاسیون در ۱۳۰۶ دولت امتیاز ساوش انحصاری فرانسویاه را که در دوره حکومت مطلقه داده شده بود ملغی ساخت و به موجب قانون عتیقات که در سال ۱۳۰۹ بتصویب مجلس رسید کاوش آثار باستانی برای موسسات علمی داخلی و خارجی تحت

شرایط معینی آزاد گردید. و چند دانشگاه و انجمن فرهنگی و موزه از آمریکا و سوئد و فرانسه در نقاط مختلف مانند تخت جمشید و نیشابور و سیامک و کاشان و شاپورل نزدیک کازرون و شوش و ری مشغول حفريات شدند و کتب بسیار در این باره انتشار دادند و حقایقی از تاریخ ایران را روشن ساختند وقتی اشیاء مکشوفه از کاوشها رو به ازدیاد رفتن ساختمان موزه ایران باستان آغاز شد و در ۱۳۱۷ برای انتاج آماده گردید در تهران موزه مردم شناسی و در قم و مشهد و شیراز موزه‌های محلی بوجود آمد. و اشیاء نفیسه برای ارائه به اهل ذوق و دانش در آنها طبقه بندی و به معرفی قرار گرفت. بعضی از نسخه کتب قدیمی فاسی مانند تفهیم ابوریحان بیرونی - تاریخ بیهقی - تاریخ سیستان حدودالعالم بطبع رسید. و از برخی نسخه های خطی نفیس که در کتابخانه های خارج است عکس برداری و به کتابخانه ملی سپرده شد. در ۱۳۱۳ در تهران مزاره فردوس باشکوه فراوان جشن گرفته شد و نمایندگی ملل راقیه در آن شرکت بستند و کنگره‌ای تشکیل دادند و آرامگاه آن سراینده فردوس مقام را که انجمن آثار ملی با کمک مردم در طوس برپاساخته بود.

تحولات ایران بعد از جنگ جهانی دوم

رضاشاه کبیر در حضور نمایندگان فضل و ادب جهان افتتاح نمود از ملاحظه کاری که ظرف ۲۰ سال زمامداری و سلطنت رضاشاه کبیر انجام گشته بخوبی آشکار شد که مملکت گامهای سریع بسوی تجدد و تحویل برداشته است تنها برای مقایسه ای عده ای مدارس در سال ۱۳۰۴

در تمام کشور ۱۰۹ هزار شاگرد با ۶ هزار معلم وجود داشت. در صورت که در سال ۱۳۲۰ ایران دارای ۳۶ هزار شاگرد بود با وجود بحرانهایی که در اثر جنگ جهانی دوم در کشور ما پدید آمد و عدم ثبات دولتها هر سال بر عده مدارس در تمام مراحل افزوده شد در سال ۱۳۲۲ قانون تعلیمات اجباری وضع شد و کوشش بسیار برای ازدیاد دبستان در شهرها و قصبات و دهات بعمل آمد تعلیمات متوسطه به حدی بسط پیدا کرد که از تناسب خارج شد در ۱۳۲۵ در اصفهان و شیراز آموزشگاه عالی بهداری برای تربیت بهدار تاسیس شد که با آموزشگاه بهداری مشهد که در سال ۱۳۱۹ دایر شده بود.

وضعیت دانشگاهها بعد از زمان رضاشاه

اساس دانشکده پزشکی در آن شهرها شد. در سال ۱۳۲۶ دانشگاه تبریز تاسیس شد و در ۱۳۲۸ به موجب قانون مقرر گردید که در مراکز عمده کشور دانشگاه تاسیس شود و بتدریج دانشکده پزشکی و ادبیات و کشاورزی در شهرهای بزرگ بوجود آمد. در ۱۳۳۵ رسمیت دانشگاه مشهد و شیراز و در ۱۳۳۷ رسمیت دانشگاه اصفهان و اهواز بنام گندی شاپور اعلام شد. در ۱۳۳۹ دانشگاه ملی به دست شاهنشاه در تهران گشایش یافت و در سال ۱۳۴۱ دانشگاه شیراز با اساسنامه و مقررات جدید مبدل به دانشگاه پهلوی گردید. بهترین و مجهزترین مدارس حتی آموزشگاه رضاپهلوی بود در تهران که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بودجه آنرا می پرداخت. دوره آن ۴ سال بود و معلمات اتریشی دروس عملی و فنی آن را به عهده داشتن و به شاگردانشان نهاد مجانی و لباس و هزینه رفت و آمد داده می شد.